

جامعه بین‌المللی کجاست؟



«جهان در حال تغییر است و آینده مردم دوباره ترسیم می‌شود. حکومت‌های استبدادی به لرزه در آمده‌اند و خود را برای خطر آماده کرده‌اند. اما چرا جامعه بین‌المللی تاکنون در مواجهه با خشونت‌های لیبی و واکنش‌های ضعیفی نشان داده است؟»

جام جم آنلاین: #171؛ جهان در حال تغییر است و آینده مردم دوباره ترسیم می‌شود. حکومت‌های استبدادی به لرزه در آمده‌اند و خود را برای خطر آماده کرده‌اند. اما چرا جامعه بین‌المللی تاکنون در مواجهه با خشونت‌های لیبی و واکنش‌های ضعیفی نشان داده است؟
به گزارش ایسنا، روزنامه فرانسوی لوموند در مقاله‌ای درباره موضع جامعه بین‌المللی در ارتباط با درگیری‌ها در لیبی و دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه می‌نویسد:

#171؛ امروزه در دنیا چیزی وجود دارد که آن را جامعه بین‌المللی می‌نامند. این جامعه هر چند در مقابل تونس و مصر متزلزل عمل کرد، اما در مواجهه با لوران گباگو در ساحل عاج به تندی عکس العمل نشان داد.

در حال حاضر در لیبی بسیاری از تظاهرکنندگان کشته شده‌اند و گزارش‌های شبکه الجزیره شاهدهی بر این مدعاست، اما چرا جامعه بین‌المللی نسبت به این قساوت قرون وسطایی که توسط گروه حاکم و پس از بیش از 40 سال حکومت در حال انجام است عکس العمل مناسبی نشان نمی‌دهد؟

باید دیپلماسی بین‌المللی را انگشت نما ساخت و آن را مقصر دانست؛ دیپلماسی که زیر عنوان جامعه بین‌المللی خود را نشان می‌دهد. این جامعه بدون هیچ ترحم و احساسی از منافع اقتصادی و مالی دفاع می‌کند. در حالی که تنها به تکرار مساله حقوق بشر در نشست‌های آن بسنده می‌کند، هیچگاه عکس‌العمل ملموس و موضع‌گیری مشخصی در این باره نمی‌بینیم.

مردم در مواجهه با انقلاب‌هایی که بوی یاسمن می‌دهد، خود به تکاپو در آمده و شور و شعف از خود نشان می‌دهند. آنها می‌خواهند دنیا را تغییر دهند و بدون توجه به نشست‌ها و کنفرانس‌ها که کمتر تعهدی را نسبت به آنان احساس می‌کنند، مبارزه را از کشور خود آغاز کرده و آن را به پایان می‌رسانند. در دسرهایی که کشورهای جامعه بین‌المللی کمتر اشتیاقی برای صحبت کردن درباره آن دارند، می‌تواند خود اروپا و آمریکا را نیز تحت تاثیر قرار دهد.

جامعه بین‌المللی یعنی صدای سران قویترین دولت‌های دنیا. آنها تنها زمانی به اتفاقات به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم واکنش نشان می‌دهند که مشکل به طریقی به خود آنها نیز مربوط باشد. منطق امور مالی و اقتصادی نزد آنها بر منطق حقوق انسانی و یا حکومتداری خوب برتری دارد.

جامعه بین‌المللی مساله ساحل عاج را با توجه بسیار پیگیری کرد و خود را عامل به عمل می‌دید. در حالی که کاندیدای خود، الحسن واتارا را به رسمیت شناخت و وی را برگزیده و رئیس جمهور ساحل عاج دانست و همه این کارها را به نام آزادی و دموکراسی انجام داد! اما مبارزه مردم لیبی به نام دموکراسی و آزادی با توجه کمی از سوی آنان پیگیری می‌شود؛ در مجموع آنها خیلی کم و با خودداری بسیار از آن صحبت می‌کنند.

ما نسبت به نظرات جامعه بین‌المللی بدبین هستیم. نشانه آن این بود که بسیار دیدیم و شنیدیم که گفتند: کافی است (کفایه). هم اکنون دهها تن از جوانان لیبیایی که هیچگاه تاکنون تنوعی دموکراتیک را در کشورشان تجربه نکرده‌اند، از سوی نظام این کشور به رگبار بسته می‌شوند. علت این بود که کاملا مسالمت جویانه تظاهرات می‌کنند و خواهان کناره‌گیری قذافی از قدرت هستند. همزمان شکنجه‌ها و باجگیری‌ها علیه تظاهرکنندگان در یمن، الجزایر و همه جای دنیا در حال شدت گرفتن است. بر همه واضح و مبرهن است که جامعه‌ای از سران دولت‌ها وجود دارد که تنها منابع طبیعی کره زمین را برای خود تقسیم می‌کند.

هر روز که می‌گذرد، جوانان لیبیایی می‌میرند و مشخص نیست که این کشتار تا کی باید ادامه پیدا کند؟ پس جامعه بین‌المللی که مدعی است با جدیت برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کند، کجا است؟